# نهم ربيع الاوّل سال روز آغاز امامت امام مهدي عجل الله تعالي فرجه

# سيد حسن زماني

بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحيم.

نهم ربيع سال روز آغاز پيشوايي دوازدهمين امام، يعني حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه مي باشد. در اين روز مناسب است به جاي انجام اموري كه به وحدت مسلمانان ضربه مي زند، با اقدام هاي ايجابي چون بزرگداشت آغاز امامت حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه، هر چه بيشتر پيروان اهل بيت عليهم السلام را با امام خود آشنا كنيم كه معرفت باعث محبّت و زمينه ساز مودّت و پيروي از آن وجود معصوم مي شود. پيامبر گرامي اسلام صلي الله عليه و آله و اهل بيت عليهم السلام براي پذيرش امامت حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه توسط مردم كارهاي مختلفي انجام دادند كه در اين نوشتار سعي بر آن است تا گوشه اي از اين اقدام ها بيان شود.

قبل از آغاز بحث لازم است اين نكته بيان شود كه؛ تمامي كارها و سخنان رسول اكرم صلي الله عليه و آله بر طبق فرمان هاي پروردگار صورت مي گرفت. در قرآن كريم مي خوانيم: « وَ مَا يَنطِقُ عَنِ الهَوَى \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْىٌ يُوحَى[[1]](#footnote-1)؛ و از روى هوى و (هوس‏) سخن نمى‏گويد. آن نيست جز وحى‏اى كه (به او) وحى مى‏شود.» و اهل بيت عليهم السلام نيز اين گونه بودند و تمامي كردار و گفتارشان طبق فرمان پروردگار بوده و مي باشد. در يكي از فرازهاي زيارت جامعه درباره آنان مي خوانيم: «وَ عِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ[[2]](#footnote-2)؛ و بندگان گرامي اويند كساني كه در سخن بر او (خدا) پيشي نمي گيرند و آنان به فرمان او رفتار مى‏كنند.»

بنابراين آنچه پيامبر گرامي اسلام صلي الله عليه و آله و اهل بيت عليهم السلام در معرفي آخرين وصي انجام دادند، همه به خواست پروردگار و در راستاي تحقق وعده قرآني حكومت صالحان بوده است كه در اين نوشتار به گوشه هايي از اين اقدام ها به شرح ذيل اشاره مي شود.

## الف. معرفي حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه

رسول اكرم صلي الله عليه و آله و اهل بيت عليهم السلام هر يك در زمان خود اقدام به شناساندن حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه و برپايي عدالت توسط او در گستره گيتي، به مسلمانان نمودند. براي نمونه به دو حديث اشاره مي شود.

رسول خدا صلي الله عليه و آله فرمود: «لَنْ تَنْقَضِيَ الْأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي يَمْلَؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطاً كَمَا مُلِئَتْ جَوْرا وَ ظُلْماً[[3]](#footnote-3)؛ روزها و شب ها هرگز به پايان نمي رسد تا اينكه خداوند مردي از اهل بيت مرا كه هم نام من است مي فرستد او زمين را پر از عدل و داد مي كند همان طور كه (قبل از آن) پر از بيداد و ستم شده است.»

و در روايتي دِعبِل خُزاعي شاعر و مداح اهل بيت عليهم السلام گويد: براي مولايم علي بن موسي الرضا عليه السلام قصيده ام را خواندم، كه اوّل آن اين بيت بود:

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَتْ مِنْ تِلَاوَةٍ \*\*\*\*\* وَ مَنْزِلُ وَحْيٍ مُقْفِرُ الْعَرَصَاتِ‏[[4]](#footnote-4)

وقتي به اين ابيات از شعرم رسيدم:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ \*\*\*\*\* يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَ الْبَرَكَاتِ‏

يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ \*\*\*\*\* وَ يُجْزِي عَلَى النَّعْمَاءِ وَ النَّقِمَاتِ‏[[5]](#footnote-5)

امام رضا عليه السلام به شدت گريست سپس سر خود را بلند نمود و فرمود: اي خزاعي؛ روح قدسي اين دو بيت را بر زبانت جاري كرد. آيا مي داني اين امام كيست و چه زماني قيام مي كند؟ گفتم: نه، اي مولاي من مگر اينكه شنيده ام به قيام امامي از شما كه زمين را از فساد پاك مي كند و آن را پر از داد مي كند همان طور كه لبريز از بيداد شده باشد. فرمود: اي دعبل؛ امام بعد از من فرزندم محمّد و بعد از محمّد فرزندش علي و بعد از علي فرزندش حسن و بعد از حسن فرزندش حجّت قائم كه مورد انتظار در زمان غيبتش و اطاعت شونده در زمان ظهورش مي باشد و اگر از عمر دنيا جز يك روز باقي نمانده باشد، خداي عزيز آن روز را طولاني مي كند تا او قيام كند و زمين را پر از عدل كند همانگونه كه پر از ستم شده باشد.[[6]](#footnote-6)

## ب. زمينه سازي براي پذيرش امامِ كودك

اگر خداي عزيز بخواهد مي تواند دانش و توان پيامبري يا امامت را در كودكي قرار دهد. درباره پيامبري حضرت يحيي عليه السلام در كودكي مي خوانيم: «يا يَحْيى‏ خُذِ الْكِتابَ بِقُوَّةٍ وَ آتَيْناهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا[[7]](#footnote-7)؛ اى يحيى؛ كتاب (خدا) را با قوّت بگير و در حال كودكى، فرمان (نبوّت) را به او داديم.» و يا وقتي كه بزرگان بني اسرائيل بر حضرت مريم عليها سلام خرده گرفتند و او را به خاطر آوردن فرزندي بدون داشتن همسر سرزنش نمودند، او به كودك در آغوش اشاره نمود و آنان گفتند: چگونه با كسى كه به صورت كودكى در گاهواره است، سخن بگوييم؟! ناگهان حضرت عيسي عليه السلام به سخن آمد و فرمود: «إِنىّ‏ِ عَبْدُ اللَّهِ ءَاتَانِىَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنىِ نَبِيًّا[[8]](#footnote-8)؛ براستى كه من بنده خدايم به من كتاب عطا كرده و مرا پيامبر قرار داده است.» ولي با اين حال پذيرش امامِ كودك براي پيروان دشوار است.

بنابر مصلحت پروردگار امام رضا عليه السلام دير صاحب فرزند شد (در سن 47 سالگي) و هنگام شهادت، فرزندش امام جواد عليه السلام كه حدود هشت سال بيش نداشت، به امامت رسيد براي بزرگان شيعه و پيروان پذيرش اين امر دشوار بود. براي نمونه به چند روايت و نقل تاريخي از آن دوره اشاره مي شود.

بنابر نقل احمد بن محمد بن أبي نصر گويد: من وصفوان بن يحيي خدمت امام رضا عليه السلام رسيديم و أبوجعفر (كنيه امام جواد عليه السلام) كه سه سال بيش نداشت، نزد ايشان خوابيده بود. گفتيم: خدا ما را فدايتان گرداند؛ اگر نعوذ بالله، اتفاقي براي شما بيفتد نمي دانيم قائم به امر امامت بعد از شما چه كسي است. امام فرمود: اين فرزندم. گفتم: او در اين سن؟! فرمود: همانا خداي عزيز عيسي بن مريم را حجّت قرار داد در حالي كه دو سال بيش نداشت و امامت چون نبوّت مي باشد.[[9]](#footnote-9) مشابه اين سؤال و جواب از صفوان بن يحيي از امام رضا عليه السلام نقل شده است.[[10]](#footnote-10)

معمر بن خلاد گويد: نزد امام رضا عليه السلام سخناني درباره امامت به ميان آمد، فرمود: چه حاجتي به اين سخنان است، اين ابوجعفر است كه در جاي خود نشانده ام و او را جايگزين خود نموده ام و فرمود: همانا در ما اهل بيت كوچك هايمان از بزرگان مان همه چيز را به ارث مي برند.[[11]](#footnote-11)

محمد بن عيسي گويد: نزد امام جواد عليه السلام رفتم و در مسائلي با من بحث نمود سپس فرمود: اي اباعلي؛ شكاك نباش جانشين پدرم جز من نيست.[[12]](#footnote-12)

علي بن أسباط گويد: امام جواد عليه السلام در حالي كه سن كمي داشت بعد از رحلت پدرش بيرون آمد. نگاه به قد و قامت او نمودم تا آن را براي اصحابم توصيف كنم. پس نشست و فرمود: اي علي؛ همانا احتجاج خدا در امامت چون احتجاج او در نبوّت است و در قرآن كريم فرمود: «وَ آتَيْناهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا»[[13]](#footnote-13)[[14]](#footnote-14)

بعد از شهادت امام رضا عليه السلام در ميان بزرگان شيعه اختلاف افتاد گرچه بيشتر آنان امامت امام جواد عليه السلام را پذيرفته بودند، ولي برخي از آنان مي گفتند: در امور و مسائلي كه براي ما پيش مي آيد تا اين كودك بزرگ شود نزد چه كسي برويم؟ به همين جهت در اوّلين موسم حج بسياري از پيروان شركت نمودند تا اين امامِ كودك را آزمايش كنند و وقتي آن امام عزيز به تمامي سؤال هاي آنان به درستي پاسخ داد آنان مجاب شدند و فهميدند اگر خدا بخواهد مي تواند دانش و توان امامت را در كودكي قرار دهد.[[15]](#footnote-15)

امام هادي عليه السلام فرزندِ امام محمّد جواد عليه السلام نيز در سن هشت سالگي به امامت رسيد ولي درباره امامت و شايستگي ايشان در ميان بزرگان شيعه اختلافي مشاهده نمي شود. چون قبل از او چالش پذيرش امامِ كودك براي شيعيان در اقدامي گفتاري و عملي حل شده بود و اين گونه زمينه براي امامت حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه در سن پنج سالگي فراهم شد.

## ج. زمينه سازي براي پذيرش امام غايب

پيروي از امامي كه پيروان، او را از آغاز ميلاد و آغاز امامت مشاهده نكنند، بسيار دشوار است. براي پذيرش پنهان زيستي حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه اقدام هايي از طرف اهل بيت عليهم السلام چه از جهت گفتاري و چه از جهت عملي صورت گرفت، كه به برخي از آنها اشاره مي شود.

### يك. خبر رساني از وقوع غيبت

پیامبر گرامی اسلام صلي الله عليه و آله و پیشوایان معصوم عليهم السلام هر یک در زمان خود از غیبت امام مهدی عجل الله تعالي فرجه خبر دادند. حتّي آنان دو نوع پنهان زيستي آن امام را با سخنان خود به پيروان گزارش دادند و با بیان این اخبار زمینه را برای پذيرش غیبت آن موعود جهاني از زمان خود فراهم نمودند. براي نمونه به دو حديث اشاره مي شود.

پیامبر اکرم صلي الله عليه و آله مي فرمايد: خوشا به حال کسی که قائم اهل بیتم را درک کند و در دوره غیبت و پیش از ظهورش امامت او را باور داشته باشد و با دوستانش دوست و با دشمنان او دشمن باشد. چنین شخصی در روز قیامت از رفقای من و دوستان من و گرامی ترین انسان های امّت من نزد من خواهد بود.[[16]](#footnote-16)

ابوبصیر گوید: امام محمد باقر عليه السلام می فرمود: برای قائم آل محمّد عجل الله تعالي فرجه دو غیبت است یکی طولانی و دیگری کوتاه.[[17]](#footnote-17)

### دو. عادت دادن پيروان به امام غايب

یکی از نکته های قابل توجه درباره غیبت امام زمان عجل الله تعالي فرجه زمینه سازی برای غیبت به صورت اقدام عملی است که توسط امام دهم و یازدهم عليهما السلام براي شیعیان انجام شد. از زمان امام هادی عليه السلام رفت و آمد شیعیان با ایشان کم شد. اگر کسی با امام کاری داشت، سراغ نمایندگان و وکیلان او می رفت. امام حسن عسکری عليه السلام از پشت پرده با مردم سخن می گفت. شیعیان کم کم یاد می گرفتند که در بسیاری از نیازهای دینی و مادّی مجبور به دیدار با امام نیستند بلکه می توانند با مراجعه به عالمان دینی یا وکیلان امام نیازهایشان را برآورده کنند.

مسعودی می نویسد: امام هادی عليه السلام از بسیاری از پیروان خود-به جز اندکی از نزدیکان- دوری می کرد. زمانی که امر امامت به امام حسن عسکری عليه السلام رسید آن حضرت از پشت پرده با نزدیکان و دیگران سخن می گفت مگر اوقاتی که به قصد خانه خلیفه عباسی بر مرکب سوار می شد.[[18]](#footnote-18)

## د. معرفي جانشين

در كنار زمينه سازي هاي مختلف براي پذيرش امامت حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه، امام حسن عسكري عليه السلام وظيفه داشت اوّلا خواص شيعيان را از ولادت فرزندش آگاه كند و ثانيا در حدّ امكان او را به بزرگان شيعه و شيعيان قابل اعتماد نشان دهد تا هر گونه شكّي درباره جانشين ايشان از ميان برود و راه براي امامت ايشان هموارتر شود. برخی از اقدام هاي امام يازدهم عليه السلام برای معرفی فرزندش به شرح ذیل بیان می شود.

#### يك. بشارت ميلاد

امام حسن عسكري عليه السلام قبل از به دنیا آمدن فرزندش بشارت به دنیا آمدن او را به برخی شیعیان مورد اعتماد می داد. ابو هاشم می گوید: با امام حسن عسکری عليه السلام در زندان «مهتدی» خلیفه عباسی بودم. امام به من فرمود: این طغیان گر امشب تصمیم می گیرد که با تقدیر خدا بازی کند و مرا به قتل رساند، ولی عمرش کفاف نخواهد داد و من فرزندی ندارم ولی به زودی خداوند به لطفش فرزندی به من خواهد داد. ابوهاشم گوید: وقتی صبح شد، با خبر شدیم ترک های دربار «مهتدی» را کشته و «معتمد» را جای او نشانده اند.[[19]](#footnote-19)

#### دو. خبر دادن از ولادت

وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالي فرجه متولد شد، امام حسن عسكري عليه السلام خبر به دنیا آمدن او را به برخی از شیعیان مورد اعتماد داد. به عنوان نمونه نامه ای از سوی امام يازدهم برای احمد بن اسحاق اشعری که از عالمان قم بود، فرستاده شد که به خط امام حسن عسكري و مشابه سایر نامه های ایشان بود. در آن نامه آمده بود؛ «برای ما فرزندی متولد شده است. خبر را نزد خود مخفی دار و مردم را آگاه نکن. ما این امر را مگر برای خویشان و دوستان آشکار نمی کنیم. خواستیم خبر آن را به تو اعلام کنیم تا خدای عزیز تو را شاد کند همچنان که ما را خوشحال کرد. والسلام.»[[20]](#footnote-20)

#### سه. عقيقه کردن

سنت عقیقه یکی از سنت های پسنديده اسلامی است که برای حفظ و تندرستی فرزند گوسفندی قربانی می شود. امّا امام حسن عسكري عليه السلام برای شناساندن حضرت مهدی عجل الله تعالي فرجه دستور قربانی تعداد زیادی گوسفند را داد و گوشت آنها را میان افراد قابل اعتماد به عنوان عقیقه برای فرزندش پخش کرد.[[21]](#footnote-21) محمّد بن ابراهيم كوفى گويد: امام حسن عسكرى براى يكى از كسانى كه نامش را برايم ذكر كرد، گوسفند سربريده‏اى فرستاد و فرمود: اين از عقيقه فرزندم محمّد است.[[22]](#footnote-22)

#### چهار. نشان دادن کودک

یکی از روش های امام حسن عسکری عليه السلام برای معرفی جانشین خود، نشان دادن او به پیروان قابل اعتماد بود به صورتی که حاکمان عباسی از آن آگاه نشوند. معاوية بن حكيم و محمّد بن ايّوب و محمّد بن عثمان گويند: ما چهل نفر در منزل امام جمع شديم. او فرزندش را به ما نشان داد و فرمود: اين امام شما پس از من و خليفه من بر شما است، از او پیروی كنيد و پس از من در دين خود پراکنده نشويد، كه هلاك خواهيد شد. بدانيد كه بعد از اين او را نخواهيد ديد. آنان گويند: از حضور امام بيرون آمديم و پس از چند روز امام حسن عسکري عليه السلام درگذشت.[[23]](#footnote-23)

#### پنج. خبر از شهادت و معرفی جانشین

یکی از روش های امام حسن عسکری عليه السلام برای معرفی جانشین استفاده از حوادث پیرامون شهادت خود است. این مطلب در ضمن جریانی که از یکی از وکیلان شان به نام ابوالادیان نقل شده است، به صورت خلاصه بیان می شود.

امام حسن عسکری عليه السلام نامه‏هايى نوشت و به من فرمود: آنها را به مدائن برسان. در بازگشت پانزده روز ديگر که وارد سامرّاء خواهى شد، از خانه من صداى شیون مى‏شنوى و مرا درحال غسل دادن مى‏يابى. گفتم: اى آقاى من؛ در آن هنگام جانشين شما چه کسی خواهد بود؟ فرمود: هر كس پاسخ نامه‏هاى مرا از تو بخواهد، او قائم پس از من خواهد بود. گفتم: ديگر چه؟ فرمود: كسى كه بر من نماز بخواند، او جانشین من است. گفتم: ديگر چه؟ فرمود: كسى كه خبر دهد درون کیسه چيست، او امام پس از من می باشد. نامه‏ها را به مدائن بردم و جواب آنها را گرفتم و همان گونه كه امام فرموده بود، روز پانزدهم وارد سامرّاء شدم و صداى ناله و شيون از سراى امام شنيدم و او را در حال غسل دادن يافتم. برادرش جعفر بن علىّ را بر در خانه امام ديدم كه گروهی از مردم او را به مرگ برادر تسليت و بر امامت تبريك مى‏گفتنند. با خود گفتم: اگر اين امام است كه امامت باطل خواهد بود. زيرا مى‏دانستم كه او شراب مى‏نوشد و اهل تار و قمار است. پيش رفتم و تبريك و تسليت گفتم ولی او از من چيزى نپرسيد. آنگاه عقيد غلام حضرت بيرون آمد و گفت: اى آقاى من، برادرت كفن شده است برخيز و بر او نمازگزار. جعفر پيش رفت تا نماز گزارد. چون خواست تكبير گويد، كودكى گندم گون با موهایی مجعّد و دندان هاى پيوسته بيرون آمد و عبای جعفر را گرفت و گفت: اى عمو؛ عقب برو كه من به نماز گزاردن بر پدرم سزاوارترم. جعفر با چهره‏اى رنگ پريده عقب رفت. آن كودك پيش آمد و بر امام نماز گزارد و امام كنار آرامگاه پدرش به خاك سپرده شد. سپس به من گفت: اى بصرى؛ جواب نامه‏هايى را كه همراه توست بياور. آنها را به او دادم و با خود گفتم اين دو نشانه؛ باقى مى‏ماند کیسه. در آن هنگام که نشسته بوديم گروهى از اهل قم آمدند و سراغ امام حسن عسکری عليه السلام را گرفتند. وقتی فهميدند او در گذشته است، گفتند: به چه كسى تسليت بگوئيم؟ مردم به جعفر اشاره كردند. آنان بر او سلام و به او تسليت گفتند. سپس به جعفر گفتند: همراه ما نامه‏ها و اموالى است. بگو نامه‏ها از كيست؟ و مال ها چقدر است؟ جعفر در حالى كه لباس های خود را تكان مى‏داد، برخاست و گفت: آيا از ما علم غيب مى‏خواهيد؟ در آن وقت خادم از خانه بيرون آمد و گفت: نامه‏هاى فلانى و فلانى همراه شماست و درون کیسه هزار دينار است كه نقش ده دينار آن محو شده است. آنها نامه‏ها و دینارها را به او دادند و گفتند: آن كس که تو را براى گرفتن اينها فرستاده، او امام است.[[24]](#footnote-24)

## نكته پاياني

اگر قرار بود حضرت مهدی عجل الله تعالي فرجه برای مدّت طولانی غایب شود چرا قبل از غیبت طولانی، غیبت کوتاه مدت قرار داده شد؟ در پاسخ می توان گفت: اگر غیبت طولانی یکباره و ناگهانی شروع می شد، امکان داشت ذهن های شیعیان که به امام حاضر و آشکار عادت کرده بودند، آماده پذیرش آن نباشد. همان طور كه در برخي روايت ها[[25]](#footnote-25) و نقل هاي تاريخي[[26]](#footnote-26) به اين اختلاف ها بعد از شهادت امام حسن عسكري عليه السلام اشاره شده است. برای همین غیبت صغری قرار داده شد تا شیعیان به واسطه نایبان خاص به وجود امام مهدی عجل الله تعالي فرجه یقین پیدا کنند و برای غیبت طولانی آماده شوند.

1. النجم(53)، آيات3-4. [↑](#footnote-ref-1)
2. ابن بابويه، من‏لايحضره‏الفقيه، ج2، ص609، ش3212، جامعه مدرسين، قم، 1413ق. [↑](#footnote-ref-2)
3. فتال نيشابورى، روضة الواعظين، ج2، ص261، انتشارات رضى، قم، بي تا. [↑](#footnote-ref-3)
4. مدرسه‏هاى آيات الهى كه از تلاوت تهى و منزل وحى كه عرصه‏هايش تبديل به بيابان خالى شده است. [↑](#footnote-ref-4)
5. خروج امامى كه ظهورش حتمي است. به نام خدا و با بركت ها قيام مي كند. هر حقى را از باطل در ميان ما جدا مي سازد و با نعمت ها و كيفرها جزا مي دهد. [↑](#footnote-ref-5)
6. ابن بابويه، عيون‏أخبارالرضا علیه السلام، ج2، ص265، باب66، ح35، نشر جهان، 1378ق. [↑](#footnote-ref-6)
7. مريم(‏19)، آيه12. [↑](#footnote-ref-7)
8. مريم(‏19)، آيه30. [↑](#footnote-ref-8)
9. مسعودى، على بن حسين، إثبات الوصية ، ص219، انصاريان، قم، 1426ق. [↑](#footnote-ref-9)
10. ثقة الاسلام كلينى، الكافي، ج1، ص321، ح10، دار الكتب الإسلامية، تهران، 1365ش. [↑](#footnote-ref-10)
11. الكافي، ج1، ص320، ح2. [↑](#footnote-ref-11)
12. الكافي، ج1، ص320، ح3. [↑](#footnote-ref-12)
13. اشاره به سخن خداوند درباره پيامبري حضرت يحيي عليه السلام در كودكي در آيه12 سوره مريم. [↑](#footnote-ref-13)
14. شيخ مفيد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج‏2، ص292، كنگره شيخ مفيد، قم، 1413ق. [↑](#footnote-ref-14)
15. رك؛ اثبات الوصية، ص220؛ ابن عبد الوهاب، عيون المعجزات، ص119، مكتبة الداورى، قم، بى تا. [↑](#footnote-ref-15)
16. ابن بابويه، محمد بن على، كمال الدين و تمام النعمة، ج1، ص286، ح2، اسلاميه ، تهران، 1395ق. [↑](#footnote-ref-16)
17. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج2، ص529، بنى هاشمى، تبريز، 1381ق. [↑](#footnote-ref-17)
18. إثبات الوصية ، ص272. [↑](#footnote-ref-18)
19. إثبات الوصية ، ص252. [↑](#footnote-ref-19)
20. كمال‏الدين و تمام النعمه، ج2، ص433، باب42، ح16. [↑](#footnote-ref-20)
21. كمال‏الدين، ج2، ص430، باب ما روي في ميلاد القائم صاحب (42)، ح6. [↑](#footnote-ref-21)
22. مجلسى، محمد باقر، بحار الأنوار، ج‏51، ص15، باب1، ح17، دار إحياء التراث العربي، بيروت، 1403ق. [↑](#footnote-ref-22)
23. طبرسى، فضل بن حسن، إعلام الورى، ج‏2، ص252، آل البيت، قم، 1417ق. [↑](#footnote-ref-23)
24. كمال الدين و تمام النعمة ، ج‏2، ص474، باب43، ح25. [↑](#footnote-ref-24)
25. چون روايت ابوالاديان كه در چند سطر پيش بيان شد و گزارش از تبريك برخي به «جعفر» به عنوان امامت را بيان مي نمود. [↑](#footnote-ref-25)
26. رك؛ شهرستاني، الملل و النحل، ج1، ص170، دار المعرفة، لبنان، بي تا. جاسم حسين، تاريخ سياسي غيبت امام دوازدهم عجل الله تعالي فرجه، ص101، امير كبير، تهران، 1377ش. [↑](#footnote-ref-26)